

فاجعه الکلیسم

با فروپاشی شوروی ابعاد عظیم تر به خود گرفت

ایگور لیگاجف. ترجمه م. شیزلی

اگر انسانها به تخدیر، مست و مسموم کردن خود با الکل، تنباکو و افیون هم پایان دهند، تصور تحول مثبت در زندگی همه مردم مشکل است (ل. ن. تولستوی).

اگر بخواهیم به یکی مسائلی که، به نسبت بیشتر از هر مسئله دیگری مشخصه فاجعه جامعه روسیه است، پردازیم، بی شک، بازگشت روسیه از سوسیالیسم به عقب، به سرمایه داری است. بازگشتی که سالانه ۷۰۰ - ۸۰۰ هزار انسان در آن از دست می روند.

این پیش بینی سازمان ملل متحد واقعیت می یابد، که تا سال ۲۰۵۰، جمعیت روسیه از رقم ۱۴۵ میلیون نفر، به ۱۲۰-۱۲۵ نفر کاهش خواهد یافت و در آمریکا از ۲۸۰ میلیون نفر به ۳۵۰ میلیون نفر خواهد رسید. در دوره حاکمیت شوروی، نرخ رشد جمعیت سالانه روسیه، بین ۸۰۰ - ۹۰۰ هزار نفر بود.

تا کنون، دولت هیچ برنامه ای برای بیرون بردن کشور از بحران جمعیتی ندارد. حاکمیت سعی می کند، کاهش جمعیت کشور را به حساب نوزادان و مهاجران از کشورهای مشترک المنافع و حوزة دریای بالتیک بگذارد. در ضمن، شرکت کنندگان چهار کنگره خلق های برادر و دو کنگره خلق های دولت های متحد بلاروس و روسیه که پس از قطعه-قطعه کردن اتحاد شوروی تشکیل گردید، اعلام کردند که؛ مهاجرت مردم روس زبان از کشورهای مشترک المنافع، مسئله اصلی نبوده، بلکه، مسئله مهم، اتحاد داوطلبانه خلقهای برادر، بر مبنای اتحاد نوین دولت های برابر حقوق جمهوری های مستقل می باشد. لازم به یادآوری است که، سال به سال از تعداد مهاجران نیز کاسته می شود. اگر در سال ۱۹۹۷، تعداد مهاجران شامل ۵۹۷ هزار نفر بود، در سال ۲۰۰۴ به رقم ۱۱۲ هزار نفر کاهش یافت. تعداد مردگان، ۸۰۰ هزار نفر بیشتر از متولدین بود. بدین ترتیب، تنها ۱۵ درصد کاهش جمعیت را مهاجرین تشکیل می دهند.

بموازات فقر و شرایط سخت زندگی اکثریت مردم، میخوارگی و اعتیاد به مواد الکلی، یکی از علل بحران جمعیتی در روسیه می باشد. در این رابطه، لازم به گفتن است که از مبارزه حاکمیت شوروی با میخوارگی، تجربیاتی بدست آمد. در اینجا، منظور «کارزار ضد الکلیسم» سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۸ می باشد. البته، در توضیح آن، مغلطه هائی هم بود. این مبارزه جنبه های مثبت و منفی هم داشت.

به تاریخچه آن می پردازم. در آغاز سال های ۸۰ قرن گذشته، انبوه نامه ها به کمیته مرکزی حزب و دولت، روزنامه ها و رادیو-تلویزیون واصل می شد (بسیاری از آنها را زنان و مادران نوشته بودند) که، در آنها، زنان با درد و اندوه بی حد، میخوارگی که پسران و شوهران آنها را می ربود، کودکان را معیوب می ساخت، لعن می کردند.

استفاده از مواد الکلی به حد بحرانی، ۹-۱۰ لیتر الکل خالص به ازای هر نفر در سال رسیده بود. درآمد دولت از فروش نوشیدنی های الکلی در سال ۱۹۸۴، به بیش از ۵۳ میلیارد روبل رسید، یعنی در فاصله ۱۹۶۴-۱۹۸۴، چهار برابر افزایش یافته بود.

از خواندن نامه های پردرد زنان لرزه بر اندام انسان می افتاد. بیهوده نیست که می گویند، هر قدر مردان ودکا می نوشند، همان قدر زنان و کودکان اشک می ریزند. بی توجهی به صدها انسان ممکن نبود. در سال ۱۹۸۴، هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی،

کمیسیونی به رهبری م. س. سالامانتسوف، برای بررسی و یافتن راه های مؤثر جلوگیری از میخوارگی و الکلیسم، تشکیل داد. در سال ۱۹۸۵، تصویب نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست، شورای وزیران و قرار هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی صادر گردید. این اسناد، حفاظت از خلق، تحکیم سلامتی انسان، نجات کودکان و بزرگان از رنج و عذاب، ارتقاء توان کاری انسان ها را هدف قرار داده بود. و به همین خاطر، حزب کمونیست و دولت به از دست دادن چنین درآمدی از بودجه دولتی راضی شدند. کار بی نظیری که نمونه آن در جهان دیده نشده است.

با پشتیبانی مردم، بلافاصله اجرای مجموعه تصمیمات اتخاذ شده شروع شد. تولید ودکا، ۴۰ درصد کاهش داده شد، کنیاک، بلا تغییر ماند و شامپاین ۵۰ درصد افزایش یافت. به تولید هرگونه فرآورده «مستی آور» از میوه ها و میوه های بوته ای خاتمه داده شد. نیکولای ریژکوف، صدر هیئت وزیران اتحاد شوروی، در کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی (سال ۱۹۸۶) اعلام کرد: « حزب مبارزه آبرومندان ای را با میخوارگی و الکلیسم آغاز کرده است. خط سیر کاهش تولید و فروش مشروبات الکلی را بدون انحراف به پیش خواهیم برد».

در اجرای مجموعه تدابیر اندیشیده شده برای لغو میخوارگی، کفایت و کمال اجتماعی - فرهنگی نیازمندی های مردم اتحاد شوروی، نقش بزرگی بازی کرد.

آن وقت ها، شبکه وسیع کانون های فرهنگی، کلوب ها، سینما- تئاترها، مدارس ورزشی کودکان در سراسر کشور گسترده بود. اما، اینک دهها هزار مرکز آموزشی، فرهنگی و ورزشی بسته شده است. بیش از ۸۰ درصد جمعیت شهرنشین، در منازل مستقل ساکن بودند. مسکن رایگان بود. اکنون ساخت مسکن دو برابر کاهش یافته است و مسکن رایگان نیز تقریباً وجود ندارد (مترجم: پس از اعطای استقلال به آذربایجان، رئیس جمهور وقت، با اولین فرمان صادره خود، مجتمع های خانه سازی را غیر اقتصادی خواند و همه آنها را تعطیل کرد).

در عین حال، در برنامه دوازدهم حزب کمونیست (سالهای ۱۹۸۶-۱۹۹۰)، ساخت ۶ هزار کلوب در مناطق روستائی، ۴۲ سالن کنسرت در مراکز استانها و شهرهای بزرگ در نظر گرفته شده بود. برای ساختن منازل جدید برنامه ویژه ای تنظیم گردیده بود. در چهار سال اول نوسازی (سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۸)، طرح احداث مراکز تحصیلی، فرهنگی و خانه های مسکونی بطور کامل اجرا شد.

با بهره گیری از امکانات وسیع کشور، از جمله رسانه های جمعی، ادبیات، هنر، ورزش، صنعت توریسم رشد یافت، در مجامع کارگری و یا محل سکونت، تبلیغ زندگی سالم برای مردم گسترش داده شد.

در گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ا.ج. ش.س. (سال ۱۹۸۶)، در باره تشدید مبارزه بر علیه میخواری و الکلیسم گفته می شود: «بخاطر سلامتی جامعه و انسان، ما تصمیم جدی گرفته ایم، با عادت هائی بدی که در طول قرن ها شکل گرفته و ریشه دوانده است مبارزه می کنیم. بدون آنکه محو دستاوردها شویم، می توانیم بگوئیم که میخواری را در تولید عقب رانده ایم، اکنون در مجامع عمومی کاهش یافته است... نباید عقب نشینی کرد».

سیل نامه های تشکرآمیز به خاطر آنچه که حزب برای رهایی کودکان از میخوارگی کرده بود، به ارگانهای مرکز و محلی حاکمیت وارد شد. خانواده های زیادی نفس راحتی کشیدند، معناتان الکلی از ظاهر شدن در خیابان ها پرهیز می کردند. مشخصاً به چه چیزی دست یافتیم؟ براساس آمار و به گفته متخصصان جنایتکاری ۲۰-۳۰ درصد، غیبت از کار، آسیب دیدگی در محل کار و در زندگی، حوادث رانندگی و همچنین بیماری های قلب و عروق به میزان قابل توجهی کاهش یافت.

در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست ا. ج. ش. س.، به کنفرانس حزبی (سال ۱۹۸۸)، آورده شده است: «آمار تولد در کشور بالا رفته و میزان مرگ و میر کاهش یافته است که بی ارتباط با مبارزه بر علیه میخوارگی و الکلیسم نیست». تعداد متولدین در سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ نیم میلیون نفر بیشتر از حد معمول بود. از میزان مرگ و میر در میان کودکان نیز کاسته شده است. در این سالهای سپرده های مردم به بانکها، ۳۵ میلیارد بیش از حد معمول بود. بازدهی کار تولیدی با سالانه یک درصد افزایش، ۱۰ میلیارد روبل به صندوق بودجه کشور افزود. با یک حساب شفاهی می توان فهمید که هشیاری، سود بیشتری از فروش ودکا برای دولت داشت.

در حزب و جامعه و در میان رهبری روحیه احساس مسئولیت بسیار عالی برای ریشه کن ساختن الکلیسم، خاتمه دادن به «مفتخواری» در سفره دولت شکل گرفته بود. هر کسی، در هر مقامی، حتی مقامات عالی رتبه، در استعمال مواد الکلی زیاده روی می کرد از مقام خود عزل می گردید (این گفته نویسنده، حداقل در رابطه با مقامات عالی رتبه، بشدت قابل تردید است. چرا که، باریس (بوریس) یلتسین، یکی از کوتاچیان ضد شوروی و اولین رئیس جمهور روسیه "مستقل"، نه تنها در استفاده از مواد الکلی زیاده روی می کرد، حتی، به گفته دوستان و دشمنانش، معتاد الکلی و دائم الخمر بود (به نقل از متن اخبار تلویزیونهای روسیه، یورونیوز، رادیو بی.بی.سی. و... در روز مرگ یلتسین) و تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۹، هنگامی که زبانش مشکل در دهان می چرخید و کلماتش به سختی مفهوم بود، بالاجبار، از حاکمیت کنارگیری کرد، به کارش ادامه می داد. مترجم»).

در باره حادثه دیگری. از استان اولیانوفسک نامه هائی در باره میخوارگی رهبر دبیر ایالتی حزب، به کمیته مرکزی حزب و بدتر شدن وضعیت استان واصل شد. پلنوم کمیته ایالتی، دبیر اول کمیته ایالتی حزب را از کار برکنار کرد. در بازگشت از اولیانوفسک (من چهار روز آنجا بودم)، زنی که کارمند هتل اقامتم بود، پیش من آمد و گفت: «الآن من و شما، به خانه می رویم. قبلا، وضع طور دیگری بود، مهمانان عالی مقام می آمدند و در معیت رهبران ایالتی ساعت های زیادی خوشگذرانی می کردند».

متأسفانه در جریان مبارزه با میخوارگی اشتباهاتی روی داد، بالا به متدهای اداری، ممنوعیت و تبلیغاتی دست می زد. تولید الکل در خانه ها جان گرفت. اما، حتی با احتساب مشروبات الکلی تولید شده در خانه ها، مصرف سرانه آن در سال ۱۹۸۷، فقط ۶ لیتر الکل خالص در سال بود.

به تصحیح اشتباهات پرداختند، تاکتیک ها تغییر کرد، استفاده مفید از اوقات فراغت سازماندهی گردید. چرا که ما متکی به اکثریت مردمی بودیم که از ادامه کار دولت و سازمانهای اجتماعی در طرد بیماری قرنهای پشتیبانی می کردند. کار و فعالیت همه کسانی که، برای حراست سلامتی خلق انجام دادند، شایسته افتار است.

اما در جریان نوسازی، اوضاع سیاسی کشور حاد شد، نیروهای ضد سوسیالیست که ارتباطات خارجی داشتند سر بلند کردند، تبلیغات بر علیه میخوارگی و الکلیسم فروکش کرد. به اصطلاح دموکرات ها، در فحاشی های خود، از آن بهره می گرفتند، شایعه از بین بردن تانکستان ها و خالی شدن خزانه دولت و سیستم پولی کشور را برسر زبان ها انداختند. همه اینها دروغ خصمانه ای بیش نبود.

با این همه، قبل و بعد از شروع «تبلیغات ضد الکلیسم» (در سالهای ۱۹۸۱-۱۹۸۵) و (۱۹۸۵-۱۹۸۸)، محصول انگور در حدود ۵-۶ میلیون تن در سال بود. این ارقام در اسناد آماری موجود است. در عین حال، فروش انگور تازه در این دوره، از ۳۰۰ میلیون تن در سال به یک میلیون تن افزایش یافت. نهادهای اقتصادی مجبور شدند سیستم نگهداری و حمل و نقل انگور را بطور بنیادی سازماندهی نمایند. اما چرا در روسیه سال ۹۰ و سال

۲۰۰۰، همین حاکمیت فعلی محصول انگور را دو برابر کاهش داد؟ جواب این سؤال را باید دموکراتهای دروغگو، «حزب روسیه واحد» بدهد.

یاد آوری یک موضوع دیگر را لازم می دانم. آقای سابچاک که، نقش کمی در تخریب کشور نداشت، هنگام برگزاری کنگره نمایندگان خلقها اعلام کرد که ناحیه کراسنادار تاکستانها را می برند. نمایندگان کراسنادار از همین آقا (با تقبل هزینه سفر ایشان) خواستند به ناحیه سفر کرده و نشان دهد، در کجا تاکستانها را بریده اند. اما چه معنی داشت، چون ایشان و تاکستان های بریده شده را سرما برد.

آنچه که به تحلیل رفتن بودجه مربوط است، این مسئله خطرناکی نبود، همانطور که هنگام کاهش تولید ودکا قیمت محصولات الکلی ۵/۱ برابر افزایش یافت.

اینک بیش از ۱۰ سال است که الکلی کردن عمومی جامعه ادامه دارد. در هر جا می خورند، در محل کار، در خانه و به هر سبب و بهانه ای می خورند. اگر در دوره حاکمیت شوروی رقم معتادان الکلی چند ده هزار نفر بود، الآن دیگر سر به میلیونها نفر می زند. مصرف سرانه الکل به ۱۶- ۱۸ لیتر الکل خاص در سال رسیده است. علیرغم اینکه رئیس جمهور، در ارتباط با توسعه الکلی کردن جامعه، برای چندمین بار هشدار داده است، هیچ نتیجه مثبتی حاصل نشده است. واقعا هم مردم را به ورزش دعوت کرد. البته، این مشکل تنها با دعوت به ورزش کردن حل شدنی نیست. مجموعه تدابیر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باید بکار گرفته شود. تولید الکل و ودکا، باید در انحصار دولت باشد. سالها می گذرد، هنوز گاری در گل مانده است.

بجای اینکه همه مردم را با ارزیابی از نکات منفی و مثبت «تبلیغات ضد الکلیسم» و درک هدف اصلی آن- حفاظت از مردم، ممانعت از میخوارگی میلیونها انسان، رهائی زنان، کودکان، خویشان و نزدیکان از رنج و عذاب میخوارگی،- به این مسئله جلب کنند، به هذیان گوئی در باره گذشته مشغولند. در این کار، «حزب روسیه واحد» و شبه حزبی آنها، حزب لیبرال- دموکرات، گوی سبقت از دیگران ر بوده اند. عدم مبارزه با الکلیسم، باعث رواج جنایت کاری و فقر گسترده شده است.

رهبران کنونی، «حزب روسیه واحد»، چندان تمایلی به حفاظت از مردم در مقابل میخوارگی ندارند. آنها در تلاشتند مغازه ها را با مشروبات الکلی خوب پر کنند. اکنون، حاکمیت الیگارش ها و بوروکرات های دولتی، هیچ توجهی به میخوارگی عمومی و الکلیسم نداشته و از سود سرشار بازار الکل، به عنوان ابزاری برای انحراف اذهان مردم از اعتراضات اجتماعی، به شدت استفاده می کند.

راه توده ۱۴۳ ۰۶،۰۸،۲۰۰۷